

واکاوی مبانی فقهی ممنوعیت تخریب محیط زیست

سید محمد حسینی^۱، محمد رضانی^۲، سید سجاد موسوی نیا^۳*

۱. دکترای حقوق بین الملل، دانشگاه شهید بهشتی، و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت، فارس، ایران

۲. دکترای فقه و اصول و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، لار، فارس، ایران

۳. کارشناس ارشد جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، لار، فارس ایران (نویسنده مسئول)

مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره دوم، شماره ششم، فروردین ماه ۱۳۹۶، صفحات ۶۶-۷۸

چکیده

موضوع تخریب محیط زیست از مسائل مهم و جدید در عرصه فقه و حقوق اسلامی به شمار می‌رود که زوایای آن به خوبی برای مجامع علمی و دینی روشن نشده است. از نظر فقهی، پذیرش مسئولیت بدون اثبات تقصیر و به عبارت دیگر، وضع مسئولیت مطلق برای تخریب گران محیط زیست، بلامانع است. ائتلاف مواهب مشترک و مصادیق انفال از مصادیق ائتلاف مال غیر است. گزینش مبنای مسئولیت مدنی درباره‌ی تخریب محیط‌زیست نخست در راستای پیشگیری از ورود زیان است نه مجازات، دوم فلسفه‌ی حمایت از محیط‌زیست در برابر تخریب، علی‌رغم دیدگاه طبیعت محور و دیدگاه انسان محور، از منظر فقهی، دیدگاه انسان-طبیعت محور است. بر اساس اصولی مانند اصالة الجواز و اصالة الاباحه استفاده از محیط‌زیست اجازه داده شده است و از آنجا که استفاده از آن باعث ایجاد نشاط و طراوت روحی و جسمی و انجام بهتر وظایف دینی، شغلی و اجتماعی می‌شود، این نوع استفاده، برتری دارد و در صورتی که استفاده از محیط‌زیست باعث حفظ یا بازیافت سلامتی شود، می‌توان حکم مستحب یا حتی وجوب جهت استفاده از محیط زیست را اثبات کرد.

کلید واژه: تخریب محیط‌زیست، مبانی فقهی، اصول و قواعد فقهی

مقدمه

محیط‌زیست موهبتی است خدایی که در اختیار ما قرار گرفته است تا از آن استفاده کنیم. در واقع تمامی محیط اطرافمان که در آن زندگی می‌کنیم محیط‌زیست ما محسوب می‌شود. این محیط شامل پارک‌ها، جنگل‌ها، مراتع، دشت‌ها و... متعلق به همه بوده و وظیفه‌ی انسانی و اجتماعی و مذهبی هر انسانی است تا در حفاظت آن بکوشد و سلامتی آن را تأمین کند. مسلماً محیط‌زیست ناسالم می‌تواند خطرات جبران‌ناپذیری بر سلامتی روحی و جسمی انسان‌ها داشته باشد. امروزه بحث حفاظت از محیط‌زیست، یکی از مباحث مهم جهانی محسوب می‌شود. به‌گونه‌ای که در برخی موارد، درست نگهداری نکردن و یا رعایت نکردن استانداردهای حفاظت از محیط‌زیست در یک کشور می‌تواند سلامت کل جهان را مورد تهدید قرار دهد. تهاجمی که توسط برخی کشورها و انسان‌ها نسبت به محیط‌زیست صورت می‌گیرد نگران‌کننده است. تخریب بی‌رویه جنگل‌ها، شکار حیوانات، آلودگی محیط‌زیست از طریق زباله‌های خانگی و صنعتی، آلودگی هوا از طریق تولید و استفاده بیش از حد وسایل آلوده‌کننده، از بین رفتن و سوراخ شدن لایه ازن به دلیل مصرف بی‌رویه گازهای گلخانه‌ای و... همه از مواردی هستند که محیط‌زیست را تهدید می‌کنند. دین اسلام نسبت به محیط‌زیست انسان‌ها بی‌توجه نبوده و برای آن احکام جامع و مانعی پیش‌بینی کرده است، محیط‌زیست متعلق به همه انسان‌ها است و آن‌ها باید به‌طور صحیح و با توجه به میزان سهمشان از آن استفاده کنند و از نابود کردن آن بپرهیزند. بحران محیط‌زیست دغدغه خاطر بشر امروز است. و طبیعت به‌عنوان محمل حیات انسان و موجودات در معرض تهدید است. هدف اصلی از حفاظت محیط‌زیست در منابع اسلامی و حقوقی، پرهیز از آسیب رساندن به عناصر طبیعی و جلوگیری از تخریب آن‌هاست. محیط‌زیست موهبتی است الهی که استفاده مفید و صیانت از آن می‌تواند اثرات رو به رشدی در زندگی انسان و ارتقاء کرامت انسانی داشته باشد. احکام اسلامی و اسناد حقوقی به‌قواعد مرتبط با حفظ محیط‌زیست که هدف آن‌ها منافع مشترک بشریت است، توجهی ویژه داشته و ابراز می‌دارند که حق بر محیط‌زیست، تکلیف و مسئولیت در برابر محیط‌زیست را به همراه دارد. از نظر حقوقی می‌توان عنوان نمود که قانون اساسی شالوده و اساس یک حکومت یا دولت را تشکیل می‌دهد و ایران جزو معدود کشورهایی است که توجه به محیط‌زیست را در قانون اساسی خود در اصل بسیار مهم آورده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۸ به تصویب رسید اصل پنجاهم به‌صورت مستقیم به محیط‌زیست و جایگاه آن اشاره می‌کند. در این اصل آمده است در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشد داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط‌زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است. (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۵۰). در منابع اسلامی و فقهی، دین مبین اسلام و احکام پیشرفته فقهی آن آن‌قدر به مسئله حفظ محیط‌زیست اهمیت داده که آیات بسیاری در حرمت اتلاف و تخریب محیط‌زیست با دلیل عنوان نموده است. مطالعه حاضر نیز با اهداف بررسی میزان کارایی ایران در جلوگیری از تخریب محیط‌زیست با توجه به حقوق مطابق با احکام فقهی و نیز توجه به احکام فقهی و حقوقی ایران به‌عنوان نقش تضمین‌کننده جلوگیری از تخریب محیط‌زیست سالم برای تمام نسل‌ها قصد دارد که بررسی فقهی و حقوقی تخریب محیط‌زیست در ایران را به انجام برساند. بدین‌وسیله معلوم شود که مقوله محیط‌زیست به‌خوبی مورد توجه فقه و حقوق قرار گرفته و احکام و الزامات صریح و روشنی در زمینه‌های مربوط به آن‌ها مطرح گردیده است. لذا این تحقیق به دنبال بررسی مبانی فقهی ممنوعیت تخریب محیط زیست می‌باشد.

۱- تخریب محیط زیست و مبانی فقهی مسئولیت

□ ۱-۱. تبارشناسی تخریب محیط زیست

تخریب بر وزن تفعیل، مصدر است و ریشه‌ی آن «خرب» به شمار می‌رود. «خرب» به معنای معطل ماندن شیء از منفعت معنا کرده‌اند (مصطفی، معجم الوسیط، ۲۲۳). در فرهنگ فارسی نیز خراب کردن را تباه کردن و ویران نمودن معنا نموده‌اند (عمید، فرهنگ عمید، ۱۳۸۱). گاهی به جای تخریب از کلمه‌ی آلودگی استفاده می‌کنند، در حالی که آلودگی یکی از افراد تخریب به شمار می‌رود. لذا آلودگی به معنی مالیده شدن چیزی به چیزی، به طوری که اثری از آن در زمین بماند، آمده است و گاهی به معنای کثیف شدن، دین، وام، بدهکاری و تیرگی آب به کار رفته است (معین، فرهنگ معین، ۱۳۸۳، ۸۴، ۱). برای تعریف آلودگی محیط زیست به تعریف زیر می‌توان استناد نمود. آلودگی محیط زیست عبارتند از: هرگونه تغییر در ویژگی‌های اجزای متشکل محیط به طوری که استفاده پیشین از آن‌ها ممکن نگردد و به طور مستقیم یا غیرمستقیم منافع و حیات موجودات زنده را به مخاطره اندازد (مینو دبیری، ۱۳۸۲، ص ۱۱). محیط واژه‌ای عربی و اسم فاعل از باب افعال و ریشه‌ی آن «حوط» است. به معنای احاطه کننده، مکان زندگی آدمی آمده است. زیست واژه‌ای فارسی و مترادف زندگی و حیات به شمار می‌رود؛ بنابراین محیط زیست از نظر لغوی به معنای محل زندگی، سکنا و نیز آنچه زندگی را در بر گرفته است (عمید، فرهنگ عمید، ۱۳۸۱، ۲). محیط زیست از نظر اصطلاحی عبارت است از «فضایی با تمدن شرایط فیزیکی و بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره که همه موجودات زیست کننده در آن‌ها را شامل می‌شود و در مجموعه روابط بین آن‌ها را در بر می‌گیرد» (دفتر حقوق و امور مجلس، مجموع قوانین و مقررات، ۲۳، ۱). البته هیچ تعریف جامعی که محیط زیست را به طور جامع و مانع تعریف کرده باشد وجود ندارد، بلکه در آن‌ها از محیط زیست در رابطه با سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی و شهری و مناظر سخن گفته شده است. طبیعت از ماده «طبع» است و برخی آن را مترادف محیط زیست می‌دانند. طبیعت از نظر لغوی به معنای فطرت، سرشت، ماده و جهان مادی آمده است. قدما آب، باد، خاک و آتش را «طبیعی» می‌گفته‌اند (عمید، فرهنگ عمید، ۱۳۸۱، ۲). محیط زیست در دو مفهوم بکار برده می‌شود یکی مفهومی که از علوم طبیعت ناشی می‌شود و تحت عنوان محیط زیست طبیعی معرفی شده و دیگری در تعامل با سازوکارهای انسانی است که با عنوان محیط زیست انسانی از آن نام برده می‌شود و هر دو عنوان فوق طیف گسترده‌ای از موضوعات مختلف را تحت پوشش خود دارد. محیط زیست به معنای عام شامل کل منابع طبیعی تجدید شونده شامل جنگل‌ها، مراتع، منابع آبی و... بوده و طیف وسیع و گسترده‌ای از تعاریف تخصصی مربوطه را در بر می‌گیرد که همین امر در تفسیر ماهوی مربوطه به معنای قانونی محیط زیست اشکال‌هایی را به وجود آورده چرا که همین متن حقوقی محیط زیست را به صورت جامع و مانع تعریف نکرده است و قوانین موجود تعریفی از آن ارائه نداده‌اند بلکه در آن‌ها از محیط زیست در رابطه با سه عنصر طبیعت، منابع طبیعی، شهر و مناظر سخن گفته است که در این راستا می‌توان به برخی از قوانین و مقررات موضوعه مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع کشور، قانون شکار و صید، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، قانون شهرداری و... اشاره نمود. بی تردید، خداوند بزرگ انسان را از خاک خلق کرده و روزی او را در زمین قرار داده است، بهره‌مندی‌های افراد گوناگون بشر از مواهب طبیعی از همین روی است. قوانین وضع شده نیز هیچ‌کدام در پی مسدود کردن استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست نیستند. بی‌گمان استفاده بی‌رویه و تخریب این مواهب ممنوع است و در قوانین وضع شده نیز استفاده غیرمعارف از جنگل و مراتع، منع شده است. در

قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب سال ۱۳۴۶ هم به حفاظت و هم به بهره‌برداری توجه شده است. این قانون نشان می‌دهد که هر نوع بهره‌برداری منع نشده است. طبق ماده ۴۴ قانون یاد شده چرانیدن بدون اخذ پروانه دام در مناطق قرق شده ممنوع اعلام شده است (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۴، ص ۵). ماده‌ی ۱۷۹ قانون مدنی ایران در سال ۱۳۰۷، به صورت مطلق شکار کردن را موجب تملک دانسته است. گذشت زمان قانون‌گذار را مجبور نموده است که با وقوف به نارسایی این قانون دو بار در سال‌های ۱۳۴۶ و ۱۳۷۵ قانون شکار را اصلاح نماید تا از صورت اطلاق خارج شود، اما همچنان نارسایی این قانون باقی است و نمی‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای اجتماعی باشد و قاعده تناسب جرم و مجازات هرگز رعایت نشده است؛ زیرا بیش‌ترین مجازاتی که برای متخلف از قانون مصوب ۱۳۷۵ در نظر گرفته شده است نود و یک روز تا سه سال حبس و جزای نقدی تا ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال است؛ یعنی اگر کسی مثلاً تنها ببر ایرانی را صید نماید نهایتاً به مدتی حبس و جریمه نقدی تا ۲۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال مجازات می‌شود در حالی که قیمت چنین ببری بسیار بیش از این مبلغ ارزش دارد. از جمله قوانین زیست‌محیطی قبل از انقلاب می‌توان به قانون حفاظت محیط‌زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ که به‌عنوان قانون مادر در زمینه‌ی مباحث زیست‌محیطی نامیده می‌شود و به قانون حفاظت از دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی نفتی مصوب ۱۳۵۴/۱۱/۱۴ اشاره کرد که طی آن، برای آلوده‌کنندگان رودخانه‌های مرزی تا دو سال حبس و تا ۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال جریمه در نظر گرفته است. مهم‌ترین قانون بعد از انقلاب، تصویب مواد ۶۸۸ و ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی است. این دو ماده برای آلوده‌کنندگان و تخریب‌گران محیط‌زیست مجازات تا یک سال حبس و تأدیه خسارت وارده را در نظر گرفته است. آرای صادره از محاکم جمهوری اسلامی ایران با استناد به این دو ماده، وقوع تقصیر از ناحیه مخربین محیط‌زیست را شرط مسئولیت این‌گونه افراد تلقی نموده‌اند. نارسایی و ناکافی بودن قوانین فعلی، توان جلوگیری از هجمه‌های گسترده به مواهب طبیعی متعلق به عموم را ندارد و همین مهم اقتضا دارد که تجدید نظری در مبنای مسئولیت و نیز قوانین مربوطه به عمل آید.

۲-۱ مبنای مسئولیت مدنی زیست‌محیطی در فقه

۱-۲-۱ آیات و روایات راجع به اهمیت حفظ محیط‌زیست و جلوگیری از تخریب آن

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «ما فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (انعام/سوره ۶، آیه ۳۸) یعنی: ما در این کتاب از هیچ چیز فروگذار نکردیم. در جای دیگر خطاب به پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و آله می‌فرماید: «وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (نحل/سوره ۱۶، آیه ۸۹) یعنی: کتابی به سوی تو فرستادیم که بیان کامل هر چیزی در آن هست. امام صادق علیه‌السلام نیز بر جامعیت اسلام تأکید کرده و می‌فرماید: خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند، چیزی را که مورد نیاز مردم بوده، رها نکرده است تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود، در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید همه نیازهای بشر را خداوند در آن نازل کرده است. «ان الله تبارک و تعالی انزل فی القرآن تبیان کل شیء...» (الحویزی، ۱۳۴۲، ص ۷۴؛ الکلینی، ۱۴۱۱، ق، ص ۱۱۳). از امام باقر علیه‌السلام نیز روایت شده که فرمودند: خداوند متعال چیزی را که مورد نیاز این امت است، در کتابش فروگذار نکرده است و برای رسولش تبیین نموده است و برای هر چیزی حدی قرار داده و دلیل روشنی بر آن نهاده است و برای هر کسی که از این حد تجاوز کند، حدّ و مجازاتی قرار داده است (الکلینی، ۱۴۱۱، ق، ص ۱۱۳).

بر طبق این آیات و روایات، به‌خوبی می‌توان استدلال کرد که بیان هر چیزی در قرآن هست؛ ولی با توجه به این مطلب که قرآن یک کتاب تربیتی و انسان‌سازی است که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های معنوی و مادی نازل شده است، روشن می‌شود که

منظور از «همه چیز»، تمام اموری است که برای هدایت انسان لازم و ضروری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ص ۳۶۱). به طور قطع، یکی از اموری که زمینه‌ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است؛ که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش بپردازد و اصولاً یکی از وظایف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیطی امن و سالم امکان‌پذیر نیست. بدین سبب، شرط اولیه داشتن روحی سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می‌شود که انسان از محیط‌زیست سالم بهره‌مند باشد. از آن‌جا که انسان به‌عنوان جزئی از جهان عظیم خلقت، با مجموعه بزرگی از مخلوقات دیگر، از جمله طبیعت و محیط‌زیست در ارتباط است، بديهی است که زندگی شایسته او، در گرو تنظیم مناسب روابط با آن‌ها خواهد بود. اسلام در این باره راهکارهای اساسی ارائه داده است (ربانی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳)؛ با نگاهی به متون دینی - و از جمله قرآن کریم - می‌توان دریافت که محیط‌زیست و تلاش برای به حفظ و حمایت از آن، برای بهره‌مندی بشر از محیط‌زیستی امن و سالم جهت نیل به کمال، مورد اهتمام اسلام است. آیات متعددی در قرآن بر این مسئله دلالت دارند. این آیات چند دسته هستند که به آن‌ها اشاره می‌کنیم. آیاتی از قرآن که محیط‌زیست را حق همگانی می‌داند. این دسته از آیات بیان می‌کنند که خداوند طبیعت و محیط‌زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها وجود دارد (گرجی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۵). خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره/سوره ۲، آیه ۲۹). یعنی: و اوست آن (آفریننده‌ای) که همه آنچه در زمین است برای شما آفرید.

۱-۲-۲ مبانی مسئولیت فقهی حقوقی در قبال تخریب محیط زیست

با توجه به نظریات رایج در مسئولیت مدنی زیست‌محیطی می‌توان در یک چارچوب منطقی در فقه نظریات و زمینه‌هایی را یافت که مسئولیت مبتنی بر آن می‌تواند حمایت حداکثری از محیط‌زیست را تأمین نماید؛ بنابراین در اینجا فارغ از این که تقسیم‌بندی ارائه‌شده در نظریات رایج فوق با ایرادات اساسی و مبنایی مواجه هستند یا خیر سعی در ارائه رویکردهای مبتنی بر آموزه‌های فقه شیعه و تطبیق آن با مسائل مبتلابه در عرصه خسارات وارده بر محیط‌زیست خواهیم نمود. مسئولیت در فقه تحت عنوان «ضمان» مطرح گردیده است. بر این اساس فرمول مقدماتی ساده‌ای را می‌توان نظیر نظریات اولیه خطر و تقصیر در اینجا مطرح نمود به این صورت که مسئولیت زیست‌محیطی می‌تواند یا ناشی از «اتلاف» باشد که از دل آن معادل نظریه‌ی عدم تقصیر بیرون می‌آید و یا این مسئولیت ناشی از «تسبیب» است که از درون آن مسئولیت مبتنی بر تقصیر بیرون می‌ترود. به این جهت امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله بیان نموده‌اند که «ضمان دو سبب دارد: اتلاف و تسبیب» (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۶۸) در میان آرای فقیهان شیعه می‌توان به وضعیت‌هایی اشاره نمود که مبنای مسئولیت در هر یک از این دو قطب را با عناوین متعدد بیان می‌دارند. شیخ طوسی در مبسوط و ابن ادریس در سرائر، سرایت ناشی از فعل ممنوع را مبنای مسئولیت گرفته و سرایت از فعل مباح را موجب عدم مسئولیت قرار می‌دهند (شیخ طوسی، ص ۱۰۲ و ابن ادریس، ۱۴۱۰، ص ۴۹۴) و نیز علامه در تذکره عدم تعدی و سرایت از فعل مباح را مبنای مسئولیت و عدم مسئولیت قرار می‌دهد. اعمالی که می‌توان مصادیق آن‌ها را در مسئولیت بین‌المللی زیست‌محیطی تحت عنوان رایج «اعمال خطایی و تقسیم‌بندی رایج» «اعمال منع شده» و «اعمال منع نشده» در حقوق بین‌الملل یافت. شهیدثانی در مسالک از نظریه‌ی «تفریط مقتضای ضمان» و «سببیت موجب ضمان» برای مسئولیت نام می‌برد (شهید ثانی، بی تا، ص ۱۶۶). صاحب جواهر و مراغی اتلاف و ضرر را دلیل مسئولیت و متقابلاً محقق اردبیلی «اتفاق نظر فقیهان» و وجود سببیت را دلیل مسئولیت معرفی می‌نماید (نجفی، بی تا، ج ۳۷، ص ۵۹ و ج ۴۳، ص ۱۲۱؛ الحسینی المراغی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۳۵۵؛ اردبیلی، ۱۴۰۲ هـ.ق، ج ۱۰، ص ۵۰۲). ذیللاً مصادیق این آرا و مبنای اتخاذی فقیهان شیعه را بر خواهیم شمرد.

۱-۲-۲-۱ نظریه‌ی اتلاف

بر اساس این نظریه‌ی شایع در فقه که به «قاعده‌ی اتلاف» شهرت دارد هر کس مال دیگری را تلف کند ضامن است. این نظریه به استناد حدیث مشهور «من اتلف مال الغیر فهو له ضامن» شکل گرفته است. در این نظریه بعضی از فقیهان تمسک به آن را قاعده عقلایی و بدیهی شمرده‌اند. برای مثال نراقی در عناوین می‌گوید اثبات این که اتلاف موجب ضمان است، نیازی به بیان ادله ندارد (الحسینی المرآعی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ج ۲، ص ۴۳۴). صاحب جواهر در این خصوص می‌گوید اگر این مطلب را ضروری ندانیم قطعاً اجماع منقول و محصل در مورد آن دلالت دارد (نجفی، بی‌تا، ج ۳۷، ص ۴۶). برخی فقیهان این نظریه را متن روایت نمی‌دانند بلکه آن را یک قاعده اصطیادی تلقی می‌نمایند. البته از عبارت علامه حلی که بیان می‌دارد «لقوله من اتلف ضمن» می‌توان برداشت نمود که این نظریه منصوص است و با عبارت «لقوله» آن را مستند به معصوم می‌نماید. از تقریرات مرحوم محقق داماد نیز چنین برمی‌آید که ایشان این قاعده را منصوص می‌دانند. در مقابل صاحب جواهر آن را قاعده‌ی مشهور در زبان فقها می‌نامد. (الحدیث المشتبه علی السنه الفقها) پس بنابراین منصوص بودن آن را رد می‌نماید (نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۹۱ و ج ۳۶، ص ۱۵۷). در هر صورت نظریه‌ی اتلاف می‌تواند در مصادیق زیست‌محیطی و جبران خسارات وارده بر آن نقش مناسب و پررنگی را ایفا نماید. بر این اساس هرکس محیط‌زیست را تخریب نماید در برابر آن ضامن است. از جمله در مواردی که محیط‌زیست مال متعلق به مردم باشد، با توجه به این که در اتلاف، قصد شرط نیست بر این اساس می‌توان به مبنای مطلوب و ساده‌تری برای عاملین خسارت به محیط‌زیست دست یافت. لهذا بر اساس همین نظریه می‌توان اصل مشهور «آلوده کننده باید بپردازد» یا اصل «پرداخت توسط آلوده‌ساز» را توجیه نمود.

۱-۲-۲-۱ نظریه‌ی تقصیر

این نظریه، سنتی‌ترین نظریه‌ی در مسئولیت مدنی زیست‌محیطی و جلوگیری از تخریب آن است. بر این اساس خسارات زیست‌محیطی قابل مطالبه نیست مگر این که بتوان تقصیر عامل ورود خسارت را اثبات نمود؛ بنابراین زیان‌دیده اگر بتواند ثابت نماید که عامل زیان در وارد آمدن خسارت تقصیر داشته مسئول خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۴). این نظریه که تقریباً رویکرد شایع در رژیم مسئولیت مدنی حقوق ایران و اکثر نظام‌های حقوقی، نظیر فرانسه است با مبانی و فقه حقوق محیط‌زیست فاصله دارد. مطابق مواد ۱۳۸۲ و ۱۳۸۳ قانون مدنی فرانسه مطالبه خسارت و مسئول شناختن عامل زیان منوط به اثبات تقصیر عامل زیان است. هرچند نظریه‌ی تقصیر در برقراری در رابطه‌ی سببیت و اسناد عرفی زیان به فاعل نقش بازی می‌کند ولی نمی‌تواند مبنای جامعی باشد. درواقع پذیرش این نظریه امکان جبران بسیاری از خسارات زیست‌محیطی را دشوار می‌نماید چرا که اثبات تقصیر در خسارات زیست‌محیطی بر خلاف سایر حوزه‌ها مشکل است که این امر بیشتر ناشی از ماهیت خسارت زیست‌محیطی، تکرر آلوده‌کنندگان یا «آلوده‌کنندگان متعدد»، انگیزه‌ی پایین قربانیان خسارات زیست‌محیطی و مشکلات مربوط به اثبات رابطه‌ی سببیت است.

۱-۲-۲-۱ نظریه‌ی خطر

این نظریه توسط دو حقوقدان به نام‌های ژوسران و سالی مطرح و توسعه یافت. نظریه خطر یا «نظریه‌ی مبتنی بر عدم تقصیر» حکایت از این امر دارد که هرکس به فعالیتی بپردازد (و از آن نفعی ببرد) محیط خطرناکی را برای دیگران به وجود می‌آورد و کسی که از این محیط منتفع می‌شود باید زیان‌های آن را جبران نماید (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۱۴). بنابراین در خصوص مسئولیت‌های مدنی تخریب محیط‌زیست بر مبنای نظریه‌ی خطر نیازی به اثبات تقصیر آلوده‌کننده نیست بلکه همین که شخصی اقدام به فعالیتی نماید

که نفعی در آن داشته و منجر به آلودگی و تخریب محیط‌زیست گردد باید از عهده‌ی خسارات وارده برآید. اعم از این که در واقع تقصیر داشته یا نداشته باشد. این نظریه به نوبه خود به «نظریه خطر نفع» و «نظریه خطر فعالیت» تقسیم‌بندی می‌شود. امروزه این نظریه؛ نظریه‌ای مناسب برای جبران خسارت زیست‌محیطی است و می‌تواند نقش بسیار مهمی در تقویت حمایت از محیط‌زیست داشته باشد. در واقع آلوده‌کننده محیط‌زیست بر اساس این نظریه «مسئولیت عینی» در برابر خسارات زیست‌محیطی پیدا می‌کند. این نظریه علی‌رغم این که مناسب برای حمایت از محیط‌زیست می‌نماید، از جنبه‌های متعدد اقتصادی (ریسک فعالیت) و اجتماعی (کاهش انگیزه‌ی افراد در اجتماع) نقد گردیده است. به‌ویژه از لحاظ محدود نمودن فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی و فعالیت‌های پرخطر مورد انتقاد واقع شده است و در بخشی از موارد اعمال این نظریه خلاف انصاف قضایی نیز جلوه می‌نماید.

۱-۲-۲-۴ نظریه‌ی فرض تقصیر

این نظریه در واقع تعدیل دو نظریه‌ی تقصیر و خطر است. به این معنا که، نه سختی بار اثبات نظریه تقصیر را دارد و نه آسانی نظریه خطر را. در این نظریه مبنای تقصیر با تعدیلی بنیادین پذیرفته شده است. بدین صورت که فرض بر این است که عامل ورود خسارت زیست‌محیطی مقصر است لکن باید با ارائه ادله‌ای خود را از زیر بار این مسئولیت برهاند. در واقع منطق درونی نظریه‌ی فرض تقصیر؛ حکایت از جابجایی مدعی و منکر دارد؛ یعنی در مقام اثبات تقصیر این زیان‌دیده از آلودگی یا مدعی نیست که باید تقصیر عامل را اثبات نماید بلکه این عامل ورود زیان است که باید عدم تقصیر خود را اثبات و خود را از زیر بار مسئولیت برهاند. بر این اساس در این نظریه فرض می‌شود که آسیب‌زننده به محیط‌زیست مقصر است، مگر این که با ارائه‌ی دلیل ثابت نماید که در ایجاد خسارت نقشی نداشته است. در این نظریه حمایت از محیط‌زیست اصل قرار گرفته است.

۱-۲-۲-۵ نظریه‌ی کار نامتعارف

بر اساس این نظریه، فعل نامتعارف و غیرعادی سبب ایجاد مسئولیت برای جبران خسارات زیست‌محیطی می‌گردد. لذا اگر اقدامی متعارف و یا به اصطلاح فقهی «مباح» انجام گیرد و در اثر این اقدام خساراتی به محیط‌زیست وارد آید؛ شخص تنها در صورت اثبات تقصیر محکوم به جبران خسارت می‌گردد. این نظریه مورد انتقادات بسیاری قرار گرفته است از جمله این که منظور از کار نامتعارف چیست و چه معیاری دارد؟ اگر منظور بی‌مبالاتی است در واقع این نظریه چیزی جز تکرار نظریه‌ی تقصیر نخواهد بود. در حقوق بین‌الملل این نظریه قرابت بسیاری با «نظریه خطا» دارد که بر اساس آن مسئولیت در برابر انجام اعمالی تحقق می‌پذیرد که در حقوق بین‌الملل منع گردیده است.

۱-۳-۱ ممنوعیت نابود کردن محیط‌زیست در فقه

فقه اسلام آن قدر به حفاظت از محیط‌زیست اهمیت داده که حتی نابود کردن محیط‌زیست را در هنگام جنگ نیز ممنوع دانسته و اجازه نداده است مگر آن که چاره‌ای جز آن نباشد. ابن ادریس در سرائر در این باره می‌نویسد: «نابود کردن مسکن و کشتزارها و قطع درختان و یا صدمه زدن به آن‌ها در هنگام جنگ جایز نیست مگر آن که چاره‌ای جز آن نباشد». شهید ثانی و محقق حلی هرگونه صدمه زدن به محیط‌زیست در هنگام جنگ را مکروه می‌داند و می‌فرماید: «بریدن درختان، پرتاب آتش و باز کردن آب به

سوی دشمن مکروه است» (زین‌الدین بن علی، مسالک الافهام، ۲۵/۳). محقق کرکی نیز احتمال حرمت را قوی دانسته و حتی کشتن حیوانات را شدیدتر از بریدن درختان دانسته و حرمت را در آن بسیار قوی می‌داند (کرکی، جامع المقاصد، ۴۱۲/۳).

بنابراین حتی جنگ با شرایط اضطراری آن مجوزی برای نابود کردن محیط‌زیست نیست و حفاظت از محیط‌زیست حتی در هنگام جنگ نیز واجب و نابود کردن آن مکروه و حتی حرام دانسته شده است. بنا به دلیل عقل هرگونه اقدام انسان که موجب برهم خوردن توازن و تعادل طبیعت و آنچه در آن زیست می‌کند شود و موجب اختلال در نظام زندگی بشر گردد، زشت و حرام است و در مقابل تلاش انسان در جهت حفظ و حمایت از موجودات و محیط‌زیست و جانداران آن برای زیست بهتر آنها موجب حفظ نظام طبیعی جهان و بقای گونه‌های مختلف و محیط‌زیست می‌شود و مصداق عمل نیکو است. رکن اساسی این دلیل، حفظ نظام هستی و بقای نوع بشر است که این مطلب از قضایای مشهوره و مورد تأیید عقلا است و آرای عقلا جملگی بر آن استقرار یافته است و خداوند نیز به‌عنوان خالق عقلا و رئیس العقلا با آن همراه گشته است. انسان مورد کرامت الهی واقع شده (اسرا/۷۰) و به حکم استخلاف بر زمین سلطه یافته (انعام/۱۶۵) و همه چیز در جهان برای او خلق شده است (بقره/۲۹). با این اوصاف مسلماً برهم خوردن نظم موجود در طبیعت به سبب افراط و تفریط یا اتلاف و تخریب و از بین رفتن مواهبی که خداوند جهت استفاده انسان در طبیعت به ودیعه نهاده است، آسیب‌های جدی به انسان وارد خواهد کرد و در نتیجه هر اقدامی که باعث بروز آسیب به این مجموعه شود زشت و ظالمانه خواهد بود و عقل سلیم آن را رد می‌کند و هر تلاشی که در جهت تحکیم این نظام آراسته و موجب کمال انسان گردد، عادلانه و حسن خواهد بود.

۱- (مدرکات عقلی همان حسن و قبح عقلی).

۲- «و لقد کرما بنی آدم و حملناه فی البر والبحر و فضلناه علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً».

۳- «هو الذی جعلکم خلایف فی الارض».

۴- «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جکیعاً».

چنانچه سیره‌ی عقلا اثبات شود و بر اساس عقل سلیم شکل گرفته و شارع نیز آن را ردع نکرده باشد، حجت است و می‌توان از آن به‌عنوان یک دلیل شرعی استفاده کرد. در اینجا نیز سیره‌ی عقلا بر حفظ محیط‌زیست و تخریب نکردن آن تعلق گرفته و این که انسان‌ها باید در این مورد حق یکدیگر را به رسمیت بشناسند و به آن تعدی نکنند. این سیره نیز همچون دلیل عقل با عدم ردع شارع مورد تأیید قرار گرفته است و حتی می‌توان با دلیل‌هایی که پیش از این آمد، قبلاً بیان کردیم مورد تأیید مستقیم شارع نیز قرار گرفته است.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیتی که وقوع ضرر و زیان در محیط‌زیست انسان‌ها و موجودات جاندار دارد و می‌باید در باب مسئولیت با دقت بیشتر و جدیت بیشتر عامل زیان را مسئول شناخت، به نظر می‌رسد که بتوان با استعانت از نصوص فقهی برای عامل زیان مسئولیت مطلق در نظر گرفت. نصوص و اقوالی که ما را در ارائه این بحث و رسیدن به نظر یاری می‌نماید به شرح زیر است.

در حقوق اسلامی، همین اندازه که در نظر عرف بتوان اضرار ناروایی را به کسی نسبت داد، او ضامن جبران خسارت می‌شود و در این راه وضع روانی و جسمی این عامل سهم‌ناچیزی دارد، حتی در جایی که مبنای ضمان تقصیر است این مفهوم جنبه نوعی

دارد و معیار داوری درباره آن، نظر عرف است. چنان که هرگاه امین مرتکب عملی شود که در نظر عرف تفریط به حساب آید، مسئولیت پیدا می‌کند. حقوقدانان اسلامی در همه مسائل از یک اصل واحد پیروی نکرده‌اند. در سببیت به‌طور معمول برای ایجاد ضمان لازم است که شخص کاری ناشایسته انجام داده باشد که دیگر اثبات هیچ تقصیری برای تحقق آن ضرورت ندارد. این اختلاف‌ها نشان می‌دهد که در زمینه مسئولیت حقوقی، فقها به اجرای عدالت واقعی و رعایت انصاف بیش از احترام به اصل و منطقی توجه داشته‌اند. از مجموع مطالبی که در زمینه فقهی مطرح شد می‌توان نظریه مسئولیت مطلق را خصوصاً در بحث محیط‌زیست که از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است از نظر فقه قابل قبول دانست. در حقوق ایران نیز عده‌ای گفته‌اند که در قوانین ما مسئولیت اصولاً مبتنی بر تقصیر است، یعنی قانون کلی این است که شخص در صورتی مسئول زیان‌های ناشی از کار خویش است که مرتکب تقصیر شده باشد ولی پذیرفتن این اصل مانع از آن نیست که گاه نیز مسئولیت بدون تقصیر به وجود آید. آن چه در این تلقی مهم است احراز رابطه سببیت بین فعل یا ترک فعل و ورود زیان است و خوشبختانه تحولات حقوقی در جهان نیز به‌سوی مسئولیت مطلق گرایش دارد تا جایی که وفادارترین اساتید پیرو نظریه تقصیر گفته است: «هر چند امروزه چنین نیست ولی به‌زودی زمانی فرا می‌رسد که بیشتر خسارت‌ها از راه مسئولیت محض جبران می‌شود و این نظریه بر اصل تقصیر حکومت می‌کند» (کاتوزیان، ۱۳۷۴، ص ۲۴۰). اصول و قواعد مهمی برای جلوگیری از تخریب محیط‌زیست قابل تمسک است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از قاعده‌ی لاضرر و قاعده‌ی اتلاف. در قاعده‌ی لاضرر، از آنجا که ضرر به‌صورت مطلق نفی شده، شامل ضرر به فرد یا جمع و ضرر به انسان و محیط‌زیست و غیره می‌شود؛ بنابراین شارع ضرر و ضرار را امضا نکرده است چه مربوط به وجود حکم ضروری باشد و یا ضرری که ناشی از عدم یک حکم نباشد؛ بنابراین، هر فعل ضرری در عالم تکلیف، (هر فعل ضرری که به دیگران ضرر می‌رساند) حرام است و در عالم وضع نیز هر معامله ضرری مثل بیع غبنی محکوم به بطلان است (مکارم شیرازی، قواعد الفقهیه، ۱، ۶۸). در تطبیق این قاعده با محیط‌زیست بنا بر اینکه معتقد باشیم که قاعده‌ی لاضرر شامل احکام عدمی هم می‌شود، باید گفت اولاً: هرگونه عملی که موجب تخریب یا آلودگی محیط‌زیست شود از مصادیق ضرر است. در نتیجه عمل حرام یا حکم وضعی مربوط به این زمینه فساد و بطلان و اعمال مخرب هم موجب ضمان خواهد بود. ثانیاً: عدم تصویب مقررات لازم در این زمینه موجب ضرر و تکلیف کوتاهی و حرام شمرده می‌شود و ضمان آور خواهد بود. علاوه بر قاعده‌ی لاضرر به قواعد دیگری نیز در این زمینه استناد شده است. مانند قاعده‌ی اتلاف که از موجبات ضمان قهری در فقه شیعه است که مضمون آن ضمان آور بودن هرگونه تخریب و آلودگی محیط‌زیست است که اتلاف محسوب می‌شود و نیز به قاعده‌ی ید و قواعد دیگر هم در این مقوله می‌توان استناد نمود. امروز دیگر نمی‌شود با استناد به قاعده‌ی سلطنت مردم بر اموال خودشان به آن‌ها اجازه داد که در ملک شخصی خود هر نوع تصرف زیان باری به محیط‌زیست را اعمال نمایند، زیرا قاعده‌ی تقدم منافع عمومی بر این سلطنت حاکم است و یا با تمسک به قاعده‌ی اباحه استفاده از انفال و مشترکات عمومی، هر نوع استفاده از طبیعت را روا دارند، زیرا که قاعده‌ی «لاضرر» جلو این گونه آسیب زدن به منافع عمومی مردم را می‌گیرد. برای نمونه با اینکه زمان رسول خدا (ص) برای برنج زکات تعیین نشده بود، زمان امام صادق (ع) برای آن زکات در نظر گرفته شد، چون تولید برنج از محصولات مهم عراق به شمار می‌رفت و مشمول خراج نیز گردیده بود (حر عاملی، وسائل الشیعه، باب ۹، ح ۶). مبنای مسئولیت در قبال تخریب محیط‌زیست در فقه ما که برگرفته از نظرات بزرگانی مثل صاحب جواهر و صاحب عناوین است، عبارت از «نظریه‌ی احترام اموال» است که مرکب از دو قاعده‌ی اتلاف و «لاضرر» است.

مضمون این نظریه این است که تا وقتی بتوان رابطه‌ی سببیت در ورود ضرر را ثابت کرد، قاعده‌ی اتلاف و در غیر این صورت با تحقق استناد، قاعده‌ی لاضرر اجرا می‌شود تا ضرری جبران نشده باقی نماند. ما قاعده‌ی «لاضرر» را در احکام عدمی هم جاری و

منافع محتمل الحصول را در بحث مطالبه خسارت عدم النفع، قابل مطالبه می‌دانیم. قبول مسئولیت مطلق برای تخریب گران محیط‌زیست در چارچوب نظریه‌ی احترام اموال، آثاری به دنبال دارد. مهم‌ترین آن آثار این است که هنگام طرح دعوی زیست‌محیطی، خواهان نیاز به اثبات تقصیر عامل زیان ندارد.

۱- انسان به حکم اصاله الاباحه و اصاله الجواز می‌تواند از محیط‌زیست که نعمتی است خدادادی، استفاده کند، همچنین می‌توان حکم برتری استفاده مفید از محیط‌زیست را از ادله فقهی نظیر دلیل عقل و آیه‌های گوناگون قرآن استنباط کرد، حتی در برخی موارد که استفاده از محیط‌زیست (طبیعت) جهت حفظ سلامتی در برخی بیماران خاص یا مشاغل خاص لازم است می‌توان حکم به استحباب و در مواردی وجوب را استنباط کرد.

۲- در بسیاری از موارد که استفاده انسان باعث اسراف یا ایراد ضرر به محیط‌زیست می‌گردد. برای نمونه باعث تخریب یا آلوده سازی آن می‌شود این استفاده محدود شده است که می‌توان این محدودیت‌ها را با دلیل‌هایی مانند قاعده‌ی اتلاف، قاعده‌ی لاضرر و... اثبات کرد. برای نمونه اگر لاضرر به معنی نهی از ضرر زدن یا نهی حکومتی از ضرر زدن باشد به‌خوبی دلالت بر حرمت اضرار بر محیط‌زیست خواهد داشت. و در صورتی که به معنی نفی حکم ضرری یا نفی حکم به لسان نفی موضوع باشد باز هم می‌توان با توجه به فقه‌ی دوم روایت، یعنی لاضرر ضرر بر محیط‌زیست را که ناشی از فعل انسان است، منفی دانست و حکم به حرمت آن صادر کرد.

۳- راه‌کار عملی اسلام در حفظ محیط‌زیست (احیای موات) و آیه‌های قرآن و روایت‌هایی هم چون، حرمت سفر شکاری لهو به‌خوبی تأکید فقه اسلام را بر حفظ محیط‌زیست نشان می‌دهد زیرا آیه‌ها، دلالت بر نهی از فساد در زمین دارند و می‌دانیم که نهی ظهور در حرمت دارد و روایت‌ها نیز مستقیماً به حرمت نابود کردن محیط‌زیست اشاره دارند. همچون «لاتفسدوا فی الارض بعد اصلاحها» (اعراف/۸۵).

۴- حفاظت از محیط‌زیست و جلوگیری از نابود کردن آن، آن چنان دارای اهمیت است که فقهای بزرگوار شیعه نابود کردن محیط‌زیست هم چون، بریدن درختان، ریختن آتش، ریختن سم، شکستن سدهای آب، نابود کردن مسکن و کشتزارها و... راحتی در هنگام جنگ نیز اجازه نداده‌اند و گروهی آن را مکروه و گروهی حرام دانسته‌اند مگر آن که چاره‌ای از این نابود کردن نباشد.

۵- دلیل عقل، سیره‌ی عقلا و رعایت عدالت بر حفظ محیط‌زیست و حرمت اضرار و تخریب آن دلالت دارد، بر اساس دلیل عقلی هر اقدامی که منجر به برهم خوردن نظم موجود در طبیعت یا اتلاف یا تخریب آن شود، ناپسند و ظالمانه خواهد بود و هر اقدامی که در جهت تحکیم این نظام آراسته انجام شود، حسن و عادلانه خواهد بود و موجب رشد و کمال انسان می‌شود، سیره‌ی عقلا و اجرای عدالت نیز با این رویه هماهنگ بوده و با ادله‌ی نقلی مانند آیه‌های قرآن و روایت‌ها نیز مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است.

منابع

- اردبیلی، احمد. ۱۴۱۴ ه.ق. مجمع الفائده والبرهان. چاپ دوم. قم: انتشارات اسلامی.
- ۱۳۷۷. حقوق جزای عمومی. چاپ اول. جلد ۲. تهران، میزان.
- امیر ارجمند، اردشیر. ۱۳۷۴. حفاظت از محیط‌زیست و همبستگی بین‌المللی. مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۵.

- انصاری، مرتضی. ۱۴۱۹ ه.ق. فوائد الاصول. چاپ اول. قم: مجمع الفکر الاسلامی. .
- باهنر، محمدجواد. ۱۳۷۸. انسان و خودسازی. مبانی حفاظت از محیط‌زیست در اسلام. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی و سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- تاری مرادی، احسان. ۱۳۸۴. بررسی مبانی و احکام فقهی، حقوقی محیط زیست. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده علوم انسانی، الهیات و معارف اسلامی. .
- ترک زبان، اردوان. ۱۳۸۱. بررسی جایگاه اصل اقدامات احتیاطی در حقوق بین الملل محیط زیست با نگرشی بر حقوق ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، دانشکده حقوق. .
- تقی زاده انصاری، مصطفی. ۱۳۷۴. حقوق محیط‌زیست در ایران. چاپ اول. تهران: سمت. .
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ۱۳۶۶. ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- حسن پور، محمدرضا. ۱۳۹۰. حمایت‌های فقهی. حقوقی از محیط زیست. در: فقه امامیه و حقوق ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، علوم انسانی، الهیات و معارف اسلامی.
- خالصی، آزاد. ۱۳۸۵. حق بر محیط‌زیست و توسعه و ارتباط آن‌ها (تضاد یا هماهنگی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده حقوق. .
- خالقی، علی. ۱۳۹۰. آئین دادرسی کیفری. نشر شهر دانش، چاپ چهاردهم. .
- خراسانی (آخوند)، محمدکاظم. ۱۴۲۲ ه.ق. کفایه الاصول. چاپ ششم. قم: موسسه النشر الاسلامی، قم.
- خمینی، روح‌الله. ۱۳۸۵. الرسائل. قم: المطبعة العلمیه. .
- ۱۳۹۲. تحریر الوسیله. جلد ۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). .
- دبیری، مینو. ۱۳۸۲. آلودگی محیط‌زیست (هوا، آب، خاک). ویرایش جدید، تهران. .
- دفتر حقوقی و امور مجلس. مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط‌زیست. سازمان حفاظتی. .
- ربانی، محمد. ۱۳۷۸. بهره‌گیری شایسته از محیط‌زیست با الهام از تعالیم اسلام. مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط‌زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران. .
- رهبرفرش پیرا، ناصر و موثقی، حسن. ۱۳۹۱. تأسیس دیوان بین‌المللی محیط‌زیست از منظر حقوق بین‌الملل و فقه. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال چهارم، شماره ۱۲ و ۱۳. .
- سلیمانی، ایران؛ راعی، مسعود و واعظی، سید حسین. ۱۳۹۴. بررسی فقهی حق بر محیط‌زیست با تأکید بر منفعت جمعی و مسئولیت همگانی. فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر، سال نهم، شماره دوم، پیاپی (۹۲). .
- شامبیاتی، هوشنگ. ۱۳۷۲. حقوق جزای عمومی. چاپ سوم. جلد ۲. تهران: ویستار.
- شهری، غلامرضا. ۱۳۷۴. نظریه شماره ۷۱۵۴۲۱ مورخ ۶۹/۹/۲۶ اداره حقوقی دادگستری، مجموعه نظریات اداره حقوقی، انتشارات روزنامه رسمی، تهران، ص ۳۱۴.

- صدیقیان، عبدالله و هلالی، لیلیا. ۱۳۹۴. تطبیق مسئولیت مدنی در مباحث زیست محیطی. از دیدگاه فقه شیعه. اولین کنفرانس بین‌المللی نقش مدیریت انقلاب اسلامی در هندسه قدرت. نظام جهانی (مدیریت، سیاست، اقتصاد، فرهنگ، امنیت، حسابداری)، تهران. .
- علی‌آبادی، عبدالحسین. ۱۳۶۸. حقوق جنایی. جلد ۲. چاپ پنجم، تهران: فردوسی. .
- عمید، حسن. ۱۳۸۱. فرهنگ فارسی عمید. مؤسسه انتشارات امیرکبیر. .
- فیروزی، مهدی. ۱۳۸۴. حق بر محیط زیست. سازمان انتشارات جهاد دانشگاهی. .
- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۷۴. حقوق مدنی - ایران. قم: یلدا. .
- گرچی، ابوالقاسم. ۱۳۶۳. اسلام و محیط زیست. مجله نور علم، شماره ۴. .
- گلدوزیان، ایرج. ۱۳۷۷. بایسته‌های حقوق جزای عمومی. چاپ اول. تهران: میزان.
- گلستانی، محمود و پهلوانی، الهام. ۱۳۹۴. درآمدی بر نگرش اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه بر حفظ محیط زیست پایگاه حقوقی، حق گستر. .
- لوسانی، احمد. ۱۳۷۲. کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در ریو. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران. .
- محمدزاده براهنی، محمدرضا. ۱۳۸۹. بررسی مبانی فقهی حفاظت از محیط زیست. فصلنامه تخصصی فقه و تاریخ تمدن، سال ششم، شماره ۲۵، پاییز. .
- مصطفی، ابراهیم. ۱۳۸۷. المعجم الوسیط. تهران: نشر صادق. .
- مطهری، مرتضی. ۱۳۷۳. مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی. جلد ۳. تهران: صدرا. .
- معین، محمد. ۱۳۸۳. فرهنگ معین. بوستان توحید فرهنگ ماهرخ. .
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۴۱۱ ه.ق. القواعد الفقیه. چاپ سوم. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع). .
- موسوی بجنوردی، حسن. ۱۴۱۳ ه.ق. القواعد الفقیه. قم: نشر اسماعیلیان. .
- نجفی، محمدحسن. ۱۳۶۷. جواهر الکلام، دارالکلام. چاپ سوم. تهران: دارالکتب الاسلامیه. .
- نراقی، احمد. ۱۴۰۸ ه.ق. عوائد الایام. قم: منشورات مکتبه بصیرتی. .
- نصیری فیروز، فقیه. ۱۳۷۶. مجموعه قوانین جزایی. تهران: نشر صندوق. .

منابع غیر فارسی

نهج البلاغه

- ابن ادریس حلی، محمد بن منصور. ۱۴۱۱ ه.ق. سرائر، چاپ دوم. قم: موسسه النشر الاسلامی. .
- انصاری، مرتضی بن محمد امین. ۱۴۱۵ ه.ق. المکاسب. قم: المؤتمر العالمی. .
- بجنوردی، حسن. ۱۳۷۷. القواعد الفقیهیه، قم: نشر الهادی. .
- حرعاملی، محمد بن الحسن. ۱۴۰۳ ه.ق. وسائل الشیعه. بیروت: دارالاحیاء للتراث العربی. .
- الحسینی المرآغی، میرعبدالفتاح. ۱۴۱۷ ه.ق. العناوین الفقیهیه. چاپ اول. قم: موسسه النشر الاسلامی. .
- الحویزی، علی بن جمعه. ۱۳۴۲. تفسیر نور الثقلین. جلد ۳. قم: دارالکتب العلمیه. .
- الکلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۱۱ ق. اصول الکافی. جلد ۱. دارالتعارف للمطبوعات. .

- خزایی، فوزیه. ۱۳۹۴. اسلام. و محیط‌زیست.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. ۱۴۱۳ ه.ق. مسالک الافهام. چاپ اول. قم: موسسه المعارف الاسلامیه. .
- ۱۴۱۳، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیة. جلد ۱. قم: مجمع‌الفکر الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن الحسن. ۱۳۶۳. الاستبصار. چاپ چهارم. دارالکتب الاسلامیه.
- النهایه. بیروت، لبنان: دارالکتب العربیه. .
- علامه حلی، حسن بن یوسف. تذکره الفقها. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- کرکی، علی بن الحسین. ۱۴۰۸ ه.ق. جامع المقاصد. چاپ اول. قم: موسسه آل‌بیت (ع).

کتابهای قانون

- قانون اخلال گران در تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۱/۱۰/۱۲. .
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸. .
- قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۱۳۴۷. .
- قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳، با اصلاحات سال ۱۳۸۱. .
- قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱. .
- قانون راجع به تعقیب اشخاصی که بدون مجوز قانونی به منظور بهره‌گیری از آب و برق تأسیسات وزارت نیرو اقدام می‌نمایند به وسیله دادستانی کل انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۵۸. .
- قانون راجع به متجاوزین به اموال عمومی و مردم اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی مصوب ۱۳۵۸ شورای انقلاب. .
- قانون راجع به مجازات قطع و تخریب وسایل مخابرات و برق مصوب ۱۳۳۷/۱۲/۹. .
- قانون رفع تجاوز از تأسیسات آب و برق کشور مصوب ۱۳۵۹. .
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵. .
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۰. .